

## آسفتگی در نظر، شتاب‌زدگی در عمل نقد کتاب سیاست و حکومت در خاورمیانه

سید عبدالامیر نبوی\*

### چکیده

رشد علاقه به بررسی تحولات و رویدادهای خاورمیانه از یک‌سو و گسترش دوره‌های آموزشی و پژوهشی مطالعات این منطقه طی سال‌های اخیر، از سوی دیگر، موجب شده است نیاز به آثار آموزشی و تحقیقی بیش از گذشته احساس شود؛ از این رو، انتشار کتاب سیاست و حکومت در خاورمیانه توسط ناشرانی دانشگاهی و معتبر جلب توجه می‌کند؛ کتابی که قرار است اسلوب آموزشی داشته باشد و خوانندگان، به‌ویژه دانشجویان رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی، را با اطلاعات و تحلیل‌های پایه در این زمینه آشنا کند. با این حال، بررسی شکلی و محتوایی کتاب نشان می‌دهد که، به‌رغم دقت ناشران در عرضه اثری جامع و علمی، این نوشته دچار کاستی‌ها و گاه بی‌دقتی‌های متعددی است؛ به‌گونه‌ای که ظرفیت و ارزش آن را برای استناد و تدریس در دانشگاه با تردید روبه‌رو می‌کند. بر این اساس، مطالبی درباره ویژگی‌های شکلی و نکات قوت و ضعف محتوای اثر ذکر شده و در پایان نیز توصیه‌ها و پیشنهادهایی برای ویرایش جدی آن آمده است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین مشکل کتاب آن است که هم از راهنمایی متخصصان حوزه مطالعات خاورمیانه و هم از مشورت صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت، در جهت نگارش اثری آموزشی بی‌بهره بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست، حکومت، ملت‌سازی، نظام منطقه‌ای، خاورمیانه.

### ۱. مقدمه

«ایران در منطقه خاورمیانه واقع شده است». این جمله بیان‌گر یک واقعیت و حاوی نکته‌ای بدیهی است؛ اما براساس همین نکته بدیهی نمی‌توان انتظار داشت که یک سنت

---

\* استادیار گروه علوم سیاسی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، nabavi@iscs.ac.ir  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۰۱

قوی خاورمیانه‌شناسی در ایران پدید آمده باشد. اگرچه در یک دهه گذشته انتشار کتاب‌هایی که به بررسی مسائل خاورمیانه پرداخته‌اند رشد صعودی داشته و حتی می‌توان ادعا کرد که خاورمیانه‌شناسی در ایران، به‌خصوص در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور، نسبت به پیش از انقلاب جدی‌تر گرفته شده است هنوز تا نقطه مطلوب، یعنی شکل‌گیری و تثبیت یک سنت مستحکم علمی در این زمینه، فاصله زیادی باقی است. این نتیجه‌گیری شاید در ابتدا شتاب‌زده و حتی بدبینانه به‌نظر برسد، اما کافی است مرور بر عناوین و محتوای مقالات و کتاب‌های تألیفی مربوط به این حوزه انجام شود تا مشخص شود که هنوز بسیاری از مسائل و تحولات منطقه مورد توجه و بررسی دانشگاهیان ایرانی قرار نگرفته است. گسترش علاقه به مطالعات خاورمیانه در ایران، به‌ویژه با راه‌اندازی دوره‌هایی در مقطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها طی سال‌های گذشته، سبب شده است نیاز به آثاری مناسب برای آموزش بیش‌ازپیش احساس شود. اگرچه فعالیت نهادها و مؤسساتی چون دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مرکز مطالعات علمی و پژوهش‌های استراتژیک خاورمیانه، پژوهشکده مطالعات راه‌بردی، مؤسسه ابرار معاصر، و مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور در این سال‌ها در شناخت هرچه‌بیش‌تر و دقیق‌تر تحولات این منطقه مؤثر بوده و موجب پدید آمدن تدریجی آثاری پژوهشی و قابل‌استناد شده است، کمبود آثار آموزشی جامع و معتبر نکته‌ای غیرقابل‌انکار است که حتی حالت آزاردهنده پیدا می‌کند. در واقع، این کمبود موجب شده است دانشجویان و علاقه‌مندان از دسترسی به آثاری که مطابق با اسلوب علمی و مناسب آموزش تنظیم شده باشد و پایه‌های محکم و مناسبی برای مطالعات و تحقیقات بعدی فراهم کند محروم بمانند. اگر لزوم تقویت نگاه آکادمیک ایرانی در تحلیل مسائل و تحولات این منطقه مهم را ملاک قرار دهیم، اهمیت این کاستی بیش‌تر روشن می‌شود. البته، چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در این مدت کتاب‌هایی در زمینه مطالعات خاورمیانه، اعم از تألیف و ترجمه، از سوی ناشران مختلف روانه بازار کتاب شده است که نمی‌توان نقاط قوت آن‌ها را نادیده گرفت. منتها به‌نظر می‌رسد بیش‌تر آن‌ها از جامعیت لازم برای تدریس در دانشگاه برخوردار نیست. با توجه به این مقدمه اهمیت انتشار کتاب سیاست و حکومت در خاورمیانه (ابوالحسن شیرازی و دیگران ۱۳۹۱) روشن می‌شود؛ کتابی که براساس عنوان آن قرار است دانشجویان را با وضعیت نظام‌های سیاسی، نهادهای حکومتی، و احزاب کشورهای خاورمیانه آشنا کند. این عنوان، چنان‌که می‌دانیم، مربوط به درسی اختیاری به ارزش ۲ واحد در مقطع لیسانس علوم سیاسی است (شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و

آموزش عالی (۱۳۷۵). ازسویی، انتشار کتاب توسط دو نهاد معتبر علمی (سازمان مطالعه و تدوین «سمت» و دانشگاه تربیت معلم) برای استادان و محققان اطمینان خاطر ایجاد می‌کند و ازسوی دیگر، تجدیدچاپ سریع کتاب — سه نوبت انتشار در دو سال — از نیاز گسترده جامعه دانشگاهی به چنین آثاری خبر می‌دهد؛ باین حال، هم‌چنان‌که خواهیم دید کتاب مذکور به‌رغم آن‌که مطابق با سرفصل‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی تدوین شده است یک منبع آموزشی مناسب به‌شمار نمی‌آید و نمی‌تواند انتظارات در این زمینه را برآورده کند. درواقع، استدلال نوشته حاضر آن است که نیاز به نگارش منبعی دانشگاهی و به‌لحاظ علمی قابل‌اعتماد در این زمینه هم‌چنان وجود دارد و کتاب حاضر، به‌رغم برخی نقاط قوت، به شکل‌گیری سستی دانشگاهی در ایران در زمینه خاورمیانه‌شناسی مددی نمی‌رساند. نوشته حاضر ضمن معرفی اجمالی محتوای این کتاب می‌کوشد ویژگی‌ها و کاستی‌های شکلی و محتوایی کتاب را بررسی کند.

## ۲. نقد درون‌ساختاری (بنایی)

### ۱.۲ بررسی نظم منطقی اثر

کتاب سیاست و حکومت در خاورمیانه به‌عنوان منبع درسی به همین نام در مقطع کارشناسی رشته علوم سیاسی در شش فصل تنظیم شده است. فصل اول به ذکر «ویژگی‌های کلی منطقه خاورمیانه» اختصاص یافته است. در این فصل ضمن بیان تاریخچه واژه خاورمیانه و ویژگی‌های سیاسی، طبیعی، انسانی، اقتصادی، و استراتژیک منطقه توضیح داده شده است. براین اساس، اصطلاح خاورمیانه نخستین‌بار در قرن نوزدهم و توسط انگلیسی‌ها رواج پیدا کرد و تعبیری بومی نبود. تحولات میان دو جنگ جهانی، و به‌ویژه جنگ جهانی دوم، سبب شد که این اصطلاح کاربرد بیش‌تری پیدا کند؛ اما درباره حدود و ثغور آن همواره اختلاف نظر وجود داشت؛ چنان‌که هنوز برخی محققان درباره وضعیت افغانستان، سودان، و قبرس، که جزئی از منطقه به‌شمار می‌آیند یا خیر، اختلاف نظر دارند. نکته قابل‌توجه در این فصل پیوند هر یک از آن ویژگی‌های پنج‌گانه با منافع و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای است تا تصویر دقیق‌تری از روندها و تحولات خاورمیانه و دخالت آن قدرت‌ها به‌دست آید.

دومین فصل کتاب درباره موضوع بسیار مهم «فرایند ملت‌سازی در خاورمیانه» است؛ موضوعی که پویای سیاسی و اجتماعی منطقه را هم‌چنان تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

براین اساس مشکل اغلب کشورهای منطقه آن است که دولت‌سازی مقدم بر ملت‌سازی بوده؛ ضمن آن‌که کشف نفت در اغلب سرزمین‌های این منطقه موجب دخالت و دست‌اندازی بیش‌تر قدرت‌های خارجی شده است. در ادامه مباحث این فصل، چالش‌های ملت‌سازی در خاورمیانه مورد توجه قرار گرفته و درباره تحولات جوامع چندقومی (ترکیه، عراق، افغانستان، و ایران) و جوامع هم‌سان (کشورهای عربی) توضیحاتی آمده است. از دید نویسندگان، چون ملت‌سازی‌های مبتنی بر ملی‌گرایی قومی و راه‌برد یک‌سان‌سازی فرهنگی در جوامع چندقومی تجربه‌ای شکست خورده است، این کشورها راه‌بردهای جدیدی را برای مواجهه با مطالبات و انتظارات در پیش گرفته‌اند. از سوی دیگر، در کشورهای هم‌سان، یعنی کشورهای عربی، مهم‌ترین مسئله تا کنون دو بحران مشروعیت و مشارکت ناشی از ماهیت دولت ملی بوده است؛ ولی از این پس مطالبات ناشی از حقوق شهروندی مهم‌ترین چالش دولت‌های آن‌ها در فرآیند ملت‌سازی خواهد بود.

«نظام منطقه‌ای خاورمیانه» عنوان سومین فصل کتاب است که حاوی توضیحاتی مفصل درباره کشورهای منطقه در دو قسمت جهان عرب و جهان غیرعرب است. ویژگی کشورهای جهان عرب آن است که مشابهت زبانی، دینی، و فرهنگی دارند و اغلب برآمده از بقایای امپراتوری عثمانی‌اند. در ادامه داده‌هایی درباره وضعیت جغرافیایی، جمعیتی، ساختار سیاسی، و اقتصادی عربستان، عراق، کویت، سوریه، اردن، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، مصر، لبنان، و الجزایر ارائه شده است. در مقابل، ویژگی مشترک کشورهای جهان غیرعرب آن است که همگی هویت خود را در دوره‌ای از تاریخ خود و به‌گونه‌های مختلف در جهت مخالف هسته عربی بنا کرده‌اند. سپس تحولات سیاسی و نگرانی‌های امنیتی سه کشور ایران، ترکیه، و اسرائیل به تفصیل تحلیل شده است.

«اصول و الگوهای سیاست خارجی در خاورمیانه» در فصل چهارم مورد توجه قرار گرفته و سه موضوع امپریالیسم و ملی‌گرایی، جنگ و تکوین دولت، و نفت و اسلام سیاسی ذیل این عنوان آمده است. به نظر می‌رسد تجارب مختلف کشورهای منطقه از حضور و دخالت امپریالیسم موجب ظهور اشکال گوناگونی از ملی‌گرایی و نحوه ارتباط با قدرت‌های فرامنطقه‌ای شده است. در چند دهه اخیر، جنگ و منازعه عامل مهم دیگری در تحول و پویایی نظام منطقه‌ای بوده است، هم‌چنان‌که دو متغیر نفت و اسلام سیاسی به تدریج به‌صورت دو نیروی اثرگذار در خاورمیانه درآمد و اختلافات و رقابت‌های جدیدی درون منطقه پدید آورد. مشخص است که این فصل، به‌رغم حجم اندک خود (۱۶ صفحه)، متکفل بحث‌های مهمی است.

«ماهیت بحران در کشورهای خاورمیانه» موضوع فصل پنجم است. در این فصل، عوامل منازعه و بحران در منطقه به دو دسته درون‌ساختی (عدم توسعه مفهوم دولت - ملت، تقدم منافع فردی بر منافع ملی، عقب‌ماندگی و ناهماهنگی‌ها در ساختار سیاسی و اقتصادی، نفوذپذیری از دولت‌های بزرگ، و رویکردهای اسلام‌گرایی رادیکال و سکولاریسم رادیکال) و منطقه‌ای (ملی‌گرایی عربی، نزاع‌های قومی، نقش اسلام‌گرایی رادیکال، و اختلافات سرزمینی) تقسیم شده است. از نظر نویسندگان، درهم‌تنیدگی بحران‌ها موجب شده است که خاورمیانه به «منطقه‌ای پیرامونی در نظام جهانی تحت حاکمیت غرب» تبدیل شود که ازسویی شدیداً در معرض دخالت خارجی قرار دارد و ازسوی دیگر، به واسطه ویژگی‌های فرهنگی خاص خود، سرسختانه در برابر وابستگی مقاومت می‌کند (ابوالحسن شیرازی و دیگران ۱۳۹۲: ۱۹۲).

«خاورمیانه در هزاره سوم» عنوان آخرین فصل کتاب است که حاوی گمانه‌زنی‌هایی درباره آینده منطقه است. در این چهارچوب، آینده خاورمیانه در پرتو دو گروه از عوامل موردبررسی قرار گرفته است: عوامل سیاسی بویا در داخل منطقه، و تهدیداتی که ازسوی دولت‌ها و بازیگران غیردولتی منطقه متوجه نظام بین‌الملل و منافع غرب می‌شود. در این چهارچوب، مواردی چون میراث استعمار و روابط شرق و غرب، آینده ملت عرب، چهارچوب اقتصاد سیاسی، تداوم جنگ و ستیز، نقش اسلام سیاسی، و مشاجرات قومی مورد اشاره قرار گرفته است. برآورد نویسندگان پس از بررسی این موارد هم‌سو با همان نکته‌ای است که در مقدمه کتاب آمده است: «مسائل این منطقه محل تداخل منافع بازیگران خارجی بوده و این تداخل با ساخت قدرت در درون کشورهای منطقه ارتباط زیادی دارد» (همان: ۱)

یکی از مهم‌ترین نقاط قوت این کتاب حجم متناسب آن برای آموزش درسی ۲ واحدی است؛ کم‌این‌که نمی‌توان دقت ناشر را برای عرضه اثری پاکیزه، فاقد غلط تایپی، و کاستی ویرایشی تحسین نکرد. البته در یک‌جا، تاریخ کودتای عبدالکریم قاسم در عراق ۱۹۴۸ ثبت شده که درست آن ۱۹۵۸ است (همان: ۲۱۳)، و در موردی دیگر نام استان شیعه‌نشین احساء، در عربستان، هاسا ذکر شده است (همان: ۲۱۱). جدا از این دو مورد، غلط تایپی یا نکته نادرست دیگری مشاهده نمی‌شود. پاراگراف‌بندی مناسب نیز به خوانندگان کمک می‌کند درک بهتری از مطالب به دست آورند.

مروری مجدد بر فصول و مباحث کتاب نشان می‌دهد موضوعات مختلفی مورد توجه نویسندگان آن بوده است و آنان کوشیده‌اند گزارش تحلیلی نسبتاً جامع و کاملی از وضعیت

منطقه ارائه دهند. با این حال، در بحث از جهان عرب (فصل دوم) و ذکر توصیفی وضعیت کشورهای عربی هیچ‌گونه اشاره‌ای به چهار کشور عمان، یمن، لیبی، و تونس نشده است. این درحالی است که در سایر فصول کتاب مثال‌هایی از وضعیت این کشورها وجود دارد. کافی است به تحولات و رویدادهای چندساله اخیر خاورمیانه توجه شود تا متوجه اهمیت این چهار کشور و لزوم توصیف و حتی تحلیل وضعیت آن‌ها در این فصل شویم. استفاده از عناوین فرعی مناسب یکی از نقاط قوت هر اثری، از جمله کتاب حاضر، محسوب می‌شود؛ هرچند در برخی موارد نادیده گرفته شده است، مانند بخش اعظم بحث از جهان غیرعرب (همان: ۱۱۶-۱۴۳) که فاقد عنوان فرعی است و اتفاقاً تمامی این صفحات درباره جهان عرب است. روشن است که چنانچه استفاده از عناوین فرعی مناسب برای این موارد اندک نیز مورد توجه واقع شود، دسته‌بندی و درک مطالب به شکل مناسب‌تری صورت می‌گیرد. از جمله نکاتی که می‌تواند در چاپ جدید توسط ناشر مورد توجه قرار گیرد آن‌که در تمامی کتاب تعبیر «رژیم اشغال‌گر» - برای اسرائیل - آمده است که دست‌کم می‌توان از تعبیر رژیم اشغال‌گر اسرائیل یا رژیم اشغال‌گر قدس استفاده کرد.

## ۲.۲ نقد روش‌شناسی و استفاده از منابع

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در تألیف و تدوین آثار آموزشی بایستی رعایت شود مسئله استفاده از منابع و نحوه استناد به آن‌هاست. در قسمت‌های گوناگون کتاب حاضر، نقل قول‌ها و یا استناداتی صورت گرفته است که منبع آن‌ها معلوم نیست؛ مانند کاستلز (همان: ۱۱)، نیبلاک (همان: ۵۳)، باتو (همان: ۱۶۰)، منگو (همان: ۱۶۱)، گازی (همان: ۱۶۸)، لوچری (همان: ۱۶۹)، جونز (همان: ۱۸۰)، تریپ (همان: ۱۸۰)، اسمان و رابینوویچ (همان: ۲۱۶)، هاپوود (همان: ۲۲۵)، فیسک (همان: ۲۳۲)، و هوروویتز و کونور (همان: ۲۳۵). این درحالی است که یکی از کارکردهای یک کتاب دانشگاهی آموزش اخلاق پژوهش و گوش‌زدکردن حساسیت در این زمینه است.

از سوی دیگر، نویسندگان کتاب کوشیده‌اند با بهره‌گیری گسترده از منابع فارسی و انگلیسی متن آموزشی معتبری ارائه دهند. مشکل این‌جاست که جدیدترین منبع فارسی مربوط به سال ۱۳۸۶ (یک کتاب) و ۱۳۸۷ (یک مقاله) و آخرین منبع انگلیسی مربوط به سال ۲۰۰۲ (یک کتاب) است. در واقع، خواننده با اثری روبه‌روست که نخستین بار در سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) چاپ شده است، ولی بیش‌ترین منابع فارسی آن مربوط به سال‌های

آشفتگی در نظر، شتابزدگی در عمل؛ نقد کتاب سیاست و حکومت در خاورمیانه ۳۰۷

۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ و بیش‌ترین منابع انگلیسی آن مربوط به سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ است. البته در بحث از سیاست و حکومت در امارات متحده عربی از منبعی مربوط به سال ۲۰۰۷ (ابوالحسن شیرازی و دیگران ۱۳۹۱: ۸۸) نام برده شده است که در فهرست منابع به چشم نمی‌خورد.

در همین زمینه، بایستی نکته دیگری را اضافه کرد. به‌رغم آن‌که فهرست بلندی از منابع در پایان کتاب آمده است برخی از آن‌ها فاقد هرگونه ارزش تحلیلی و استنادی هستند و درمقابل از آثار برخی از تحلیل‌گران و نویسندگان معتبر و شناخته‌شده مطالعات خاورمیانه اثری نیست؛ مانند حمید احمدی (۱۳۷۷)، مهران کامروا (۱۳۸۸)، هشام شرابی (۱۳۸۰)، فواد عجمی (۱۹۹۲)، غسان سلامه (۱۹۹۴)، بهجت کورانی (۱۹۹۲)، ادیب‌مقدم (۱۳۸۸)، مارینا اوتاوی (۱۳۸۵)، شیرین هانتر (۱۳۸۰)، ژیل کیل (۲۰۰۲)، حازم بلالوی و جیاکومو لوچیانی (۱۹۸۷)، جیل کریستال (۱۳۷۸)، مایکل هادسون (۱۹۹۹)، و رابرت اسپرینگبرگ (۱۹۹۳). هم‌چنین در این فهرست اگرچه از یک کتاب فرد هالیدی درباره حوادث ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱) نام برده شده است به هیچ‌یک از دو اثر مهم وی درباره خاورمیانه (۲۰۰۲ و ۲۰۰۵) توجهی نشده است. مسئله آن است که عدم مرور و بررسی چنین آثاری که به‌سرعت به منابعی پرستاد و قابل‌اعتماد در جامعه علمی تبدیل شده‌اند، نوعی کاستی برای هر اثری در این حوزه مطالعاتی محسوب می‌شود.

نهایت آن‌که، پیش‌نهاد می‌شود شیوه ذکر منابع در پایان کتاب یک‌دست شود؛ چه آن‌که تاریخ نشر آثار برای کتاب بعد از نام نویسنده آمده است و برای نشریات پس از نام نشریه. در این زمینه، سال انتشار مقاله امینیان (ابوالحسن شیرازی و دیگران ۱۳۹۱: ۲۳۸)، کتاب کلارک (همان: ۲۴۵)، و کتاب سیداحمد و احتشامی (همان: ۲۴۶) نیز جا افتاده است. از طرف دیگر، نام و نام خانوادگی بوزان در همین بخش (همان: ۲۳۹) به صورت جابه‌جا آمده است (باری، بوزان) که بایستی اصلاح شود.

## ۳.۲ نحوه به‌کارگیری ابزارهای علمی

وجود نمایه در پایان کتاب و ارائه فهرست وسیعی از منابع زمینه مناسبی برای تداوم و گسترش مطالعه دانشجویان و علاقه‌مندان فراهم کرده است. درعین حال، شاید مهم‌ترین کاستی شکلی کتاب که بر یادگیری خوانندگان هم اثرگذار است عدم استفاده از شکل، جدول، و نمودار است. در قسمت‌های مختلف کتاب مطالبی آمده است که نویسندگان

می‌توانستند آن‌ها را به تناسب در قالب جدول و نمودار بیاورند، به‌ویژه در خلال فصل نخست که به بررسی ویژگی‌های کلی منطقه خاورمیانه اختصاص یافته و آمارهایی درباره جغرافیای طبیعی، انسانی، و اقتصادی آن آمده است. چنانچه اصلاح و ویرایش کتاب مورد توجه ناشر باشد می‌توان به تناسب از این موارد درباره توصیف و مقایسه وضعیت گذشته و حال خاورمیانه استفاده و دانشجویان و علاقه‌مندان را با جایگاه و وضعیت هر کشور یا منطقه آشنا کرد.

### ۳. نقد برون ساختاری (مبنایی)

#### ۱.۳ تحلیل و بررسی محتوایی اثر

چنان‌که می‌دانیم یک کتاب درسی برای دوره لیسانس نمی‌تواند تمامی مطالب مربوط به منطقه‌ای راهبردی مانند خاورمیانه را آموزش دهد، بلکه بایستی نکات پایه‌ای و اصول اولیه را پوشش دهد تا مبنایی محکم برای مطالعه و تحقیق تمهید شود. به‌همین دلیل، سرفصل‌های درس سیاست و حکومت در خاورمیانه نیز به‌گونه‌ای تنظیم شده است که گزارشی تحلیلی و روش‌مند، هرچند به‌اجمال، از مسائل گوناگون خاورمیانه ارائه شود. سعی نویسندگان و ناشر کتاب حاضر نیز بر آن بوده است که اثری جامع و دارای نکات اصلی و کلیدی فراهم شود که بیش‌از هر چیز برای آموزش و پژوهش دانشجویان مقطع کارشناسی مفید باشد. باین‌حال، مروری بر محتوای کتاب نشان می‌دهد به دلایل زیر محتوای آن متناسب با هدف نیست و خواننده، در واقع، با اثری آشفته روبه‌رو می‌شود:

۱. در یک اثر آموزشی تلاش می‌شود ضمن روشن‌بودن نقطه آغاز و خاتمه بحث در هر فصل خواننده علاقه‌مندان درگیر مباحث شود؛ از این‌رو، نویسندگان به‌طور معمول سؤالات یا موضوعاتی را برای تفکر و تحقیق در آغاز یا پایان هر فصل طرح می‌کنند. این نکته در کتاب حاضر رعایت نشده است و به‌ویژه معلوم نیست دانشجو در صورت علاقه به مطالعه بیش‌تر درباره موضوع یک فصل باید سراغ چه مفاهیم و مباحثی را بگیرد.
۲. مطالعه حتی نه‌چندان دقیق کتاب نشان می‌دهد این اثر توسط چند نفر نگارش یافته، لذا نیازمند ویرایش علمی جدی و یک‌دست‌سازی محتوایی است. به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین تعارض محتوایی بین مطالب فصل‌های دوم (فرایند ملت‌سازی در خاورمیانه) و سوم (نظام منطقه‌ای خاورمیانه) باشد. در حالی که در فصل دوم استدلال می‌شود اغلب کشورهای عربی

منطقه مصداق جوامع هم‌گن و تک‌فرهنگی هستند که از مشکلات و پیچیدگی کم‌تری برای ملت‌سازی در مقایسه با جوامع چندقومی خاورمیانه برخوردارند و همین امر ظهور دولت‌های تمرکزگرا را در این کشورها توجیه کرده است (ابوالحسن شیرازی و دیگران ۱۳۹۲: ۴۳-۴۴). در فصل سوم گفته می‌شود ناهم‌خوانی میان دولت و هویت در جهان عرب منطقه در مقایسه با دولت‌های غیرعرب پیرامونی از نمود و برجستگی بیش‌تری برخوردار است (همان: ۱۱۶) در این‌جا بحث برسر درستی یا نادرستی این دو دیدگاه یا میزان انطباق هریک از آن‌ها با واقعیت نیست؛ بلکه نکته آن است که این دو دیدگاه از پیش فرض‌های مختلفی برخوردارند، نتایج تحلیلی متفاوتی را به بار می‌آورند، و در نتیجه دانشجو را متحیر می‌سازند.

نمونه دیگری که نشان می‌دهد بحث‌های کتاب یک‌دست نیست و توسط افراد مختلفی نوشته شده است نحوه بهره‌گیری از منابع در متن و ارجاع‌دهی به آن‌هاست. درحالی که بخش‌هایی از کتاب از استناد گسترده به منابع برخوردار است برای بخش‌هایی دیگر حتی یک منبع هم ذکر نشده است. در این‌باره می‌توان به بخش اعظم مطالب فصل سوم (همان: ۸۴-۸۹، ۱۱۶-۱۱۸، ۱۷۵-۱۵۲)، کل مطالب فصل چهارم (همان: ۱۹۱-۱۷۶)، و یا موضوعات نقش نفت در ملت‌سازی (همان: ۴۷-۴۶)، تحولات و چالش‌های ملت‌سازی در خاورمیانه (همان: ۵۱-۴۷) و اقلیت‌ها و نزاع‌های قومی (همان: ۲۲۶-۲۰۴) توجه کرد که انشاءوار و بدون ذکر منبع نوشته شده است و سبب شده که از ارزش محتوایی کتاب کاسته شود، آن‌هم کتابی که جنبه آموزشی دارد. گفتنی است که برای مباحث مهم و متنوع فصل ششم (خاورمیانه در هزاره سوم) نیز فقط یک منبع ذکر شده است.

۳. بعضی مباحث به شکل گذرا مورد توجه قرار گرفته است و حجم مطالب طرح‌شده تناسبی با اهمیت و قدرت نقش‌آفرینی آن‌ها ندارد که از جمله می‌توان به موضوعات اختلافات سرزمینی (همان: ۲۲۹-۲۲۸) و مسئله بحران آب (همان: ۲۳۳) اشاره کرد. این درحالی است که این دو موضوع بارها سبب جنگ و درگیری در منطقه و هم‌زمان مبنایی برای نگارش مقالات آکادمیک مهمی شده است (Potter and Sick 2004; Tolba and Saab 2008). عجیب آن‌که مسئله نفت و دولت رانتیر نیز در خلال و سایه سایر مباحث فصل‌های کتاب، و نه به صورت مفصل یا مستقل، طرح شده است. طرح‌گذرای چنین مباحثی نمی‌تواند اهمیت جایگاه و نقش آن‌ها را در خاورمیانه به خواننده منتقل کند و اساساً مشخص نمی‌شود چرا برخی موضوعات، تعابیر، تحولات، و رویدادها مورد تأکید نویسندگان کتاب قرار گرفته است و برخی دیگر نه.

۴. در برخی فقرات کتاب نکاتی آمده است که شتاب‌زده و فاقد دقت لازم به نظر می‌رسد. به‌عنوان نمونه، گفته شده است که «از نظر مسائل فرهنگی هم، خاورمیانه تنها منطقه‌ای است که به‌صورت یک‌پارچه در برابر فرایند جهانی شدن مقاومت کرده است» (ابوالحسن شیرازی و دیگران ۱۳۹۲: ۱۲). در ادامه هم این امر به حضور پررنگ اسلام در منطقه ربط داده شده است. معلوم نیست که نویسندگان براساس کدام مشاهده و مطالعه میدانی به این نتیجه رسیده‌اند و چرا پیچیدگی تحولات فرهنگی منطقه را بدین سادگی تحلیل کرده و گذشته‌اند. کافی بود نویسندگان کتاب به مطالعات، یافته‌های آماری، و تحلیل‌های کسانی چون اینگلهارت و ولزل (۱۳۸۹) توجه می‌کردند تا نادرستی چنین نتیجه‌ای مشخص شود.

هم‌چنین گاه جملاتی در کتاب راه یافته است که برای سخن‌رانی‌های عمومی مناسب است؛ مانند: «امروز سیاست خارجی ایران تحت تأثیر دستورات مسکو، لندن، و واشینگتن تدوین نمی‌شود ... شاهان قاجار از تحولات عرصه بین‌المللی غافل ماندند و دو قرن ایران را عقب‌نگه داشتند؛ اما این‌بار با چنین تجربه‌ای نباید اشتباه حکومت قاجار و پهلوی را دوباره تکرار کرد. امروز نمی‌توان نسبت به تحولات جهانی بی‌تفاوت بود» (همان: ۱۴۷). روشن است که این‌گونه جملات و جمع‌بندی‌ها زیننده یک کتاب دانشگاهی نیست و بایستی بادقت تحلیل و بازنویسی شود.

۵. نهایت آن‌که، استفاده از تعبیر «فرقه بدعت‌گذار اسلامی» برای علویان (همان: ۲۲۴) شایسته یک کتاب دانشگاهی به‌شمار نمی‌رود، زیرا به‌معنای قضاوت ارزشی است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

آثار آموزشی معتبر در حوزه مطالعات خاورمیانه، به‌طور معمول، به یکی از دو الگوی کشورمحور و موضوع‌محور تنظیم و تدوین می‌شوند. در حالت نخست، مانند کتاب سیاست و حکومت در خاورمیانه و شمال آفریقا، ویراسته مارک گازیوروفسکی (Gasiowski 2014)، هر کشور به‌صورت جداگانه موردبحث قرار می‌گیرد و اطلاعات و تحلیل‌های پایه راجع به تاریخ معاصر، ساختار سیاسی، فضا و پویایی‌های سیاسی و اقتصادی، سیاست خارجی، و چشم‌اندازهای پیش‌رو ارائه می‌شود. در الگوی دوم، مانند کتاب خاورمیانه معاصر، نوشته مه‌ران کامروا (کامروا ۱۳۸۸)، چند موضوع اصلی مشخص می‌شود و مبنای فصل‌ها قرار می‌گیرد؛ سپس اطلاعات و تحلیل‌های مربوطه به‌شکل منظم و با رعایت ترتیب تاریخی طرح می‌شود.

با این توضیحات روشن است که کتاب مورد بحث این نوشته (سیاست و حکومت در خاورمیانه) خواسته است که از الگوی دوم پیروی و مباحث را برای دانشجویان به صورت موضوعی طرح کند. باین حال، مرور دیگر باره اشکالاتی که مطرح شد نشان‌گر آن است که این خواست موفقیت‌آمیز نبوده است و نمی‌تواند مبنای مناسبی برای آشنایی با سیاست و حکومت در خاورمیانه و صاحب‌نظران این حوزه باشد. در نتیجه، هر چند «ایران در منطقه خاورمیانه واقع شده است» این کتاب بستر مناسب و قابل‌اتکایی برای ایجاد علاقه‌مندی به مطالعات خاورمیانه در مقطع لیسانس — و در نهایت مساعد شدن زمینه شکل‌گیری و تثبیت یک سنت مستحکم خاورمیانه‌شناسی — فراهم نمی‌آورد. واقعیت آن است که تنظیم یک کتاب آموزشی، برخلاف ظاهر آن، یکی از مشکل‌ترین کارها و نیازمند مشورت با متخصصان مربوطه، از جمله متخصصان حوزه تعلیم و تربیت، است.

سخن پایانی آن‌که، خاورمیانه طی پنج سال گذشته دست‌خوش رویدادهایی سرنوشت‌ساز بوده است که موجب تغییراتی مهم و وسیع در کشورهای عربی منطقه شده است و امروزه با عناوینی چون «بیداری اسلامی» و «بهار عربی» نام برده می‌شود. در واقع، این تحول سطوح و الگوهای گوناگون سیاست‌ورزی در خاورمیانه را دچار دگرگونی کرده و البته خود برآمده از تحولاتی کلان، عمیق، و درازمدت است؛ از این رو، مناسب است که ویرایشی جدید از کتاب در دست‌ورکار ناشر و نویسندگان قرار گیرد و، جدا از نکات پیش‌گفته، توجه به ریشه‌ها و پی‌آمدهای این تحول در چاپ‌های بعدی آن مورد توجه واقع شود.

## کتاب‌نامه

ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله، ارسلان قربانی شیخ‌نشین، و رضا سیمبر (۱۳۹۱)، سیاست و حکومت در خاورمیانه، تهران: سمت و دانشگاه تربیت معلم.

احمدی، حمید (۱۳۷۷)، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران: کیهان.

ادیب‌مقدم، ارشین (۱۳۸۸)، سیاست بین‌المللی خلیج فارس، ترجمه داود غرایق زندی، تهران: شیرازه.

اوتاوی، مارینا (۱۳۸۵)، گذار به دموکراسی یا شبه‌اقتدارگرایی، ترجمه سعید میرترابی، تهران: قومس.

اینگلهارت، رونالد و کریستین ولزل (۱۳۸۹)، نوسازی، تغییر فرهنگی، و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.

شرابی، هشام (۱۳۸۰)، پدرسالاری جدید، نظریه‌ای درباره تغییرات تحریف‌شده در جامعه عرب، ترجمه سیداحمد موثقی، تهران: کویر.

۳۱۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال هفدهم، شماره هشتم، بهمن ۱۳۹۶

شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۱۳۷۵)، برنامه درسی دوره لیسانس علوم سیاسی.

کامروا، مهران (۱۳۸۸)، *خاورمیانه معاصر*، ترجمه محمدباقر قالیباف و سیدموسی پورموسوی، تهران: قومس.

کریستال، جیل (۱۳۷۸)، *نفت و سیاست در خلیج فارس*، ترجمه ناهید سلامی و شاپور جورکش، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

هانتز، شیرین (۱۳۸۰)، *آینده اسلام و غرب*، ترجمه همایون مجد، تهران: فرزانه روز.

Gasiorowski, Mark [ed.] (2014), *The Government and Politics of the Middle East and North Africa*, Westview Press, Seventh Edition.

Potter, Lawrence and Gary Sick [eds.] (2004), *Iran, Iraq and the Legacies of War*, Palgrave.

Tolba, Mostafa and Najib Saab [eds.] (2008), *Arab Environment Future Challenges*, Beirut: Arab Forum for Environment and Development (AFED).